

استخراج ارز به جای تولید کالا



دبیا| افزایش ناگهانی مصرف برق درکارگاه‌های تولیدی همیشه ناشی ازافزایش تولید وافزودن دستگاه‌های جدید نیست. پلیس مشهد با شناسایی یک کارگاه تولیدی متوجه شد کهگردانندگان این کارگاه باکم‌کردن دستگاه‌های خود، تلاش کرده‌اندتاکسی متوجه روشن شدن ماینرهای استخراج ارز دیجیتال نشود. دراین پرونده مأموران دایره امنیت عمومی کلانتری مهرگان بارصدای اطلاعاتی خودبه خبری مبنی بر نگهداری و استفاده غیرمجاز از دستگاه‌های استخراج ارز دیجیتال توسط مردی سودجو دریک کارگاه دست یافتند. مأموران کلانتری مهرگان پس ازیک سری تحقیقات نامحسوس وکسب اطمینان از صحت وسقم موضوع، ضمن هماهنگی با مقام قضایی وارد عمل شدند و در بازرسی از محل، سه دستگاه استخراج ارز دیجیتال غیرمجاز را که با برق غیرمجاز در حال کار بود، به همراه مقداری موادمخدر کشف کردند. ارزش دستگاه‌های کشف‌شده قاچاق برابر اعلام کارشناسان مرتبط، ۲۰میلیارد ریال برآورد شده است. با دستگیری یک متهم، این فرد برای رسیدگی به پرونده‌اش راهی دادسرا شد.

شکارچی نهنگ، صید قانون شد!

ابوعطا| قصد کرده بود راه صدساله را یک شبه طی کند. از خرده‌فروشی موادمخدر خسته شده بود و می‌خواست این بار با صید نهنگ، مشکلاتش را برای مدتی طولانی رفع کند، غافل ازاینکه خودش صید مردان قانون خواهد شد. در پیگیری این پرونده، مأموران کلانتری شهید رجایی با رصدهای اطلاعاتی خود به خبری مبنی بر توزیع مواد افیونی توسط راننده یک دستگاه سواری پراید در سطح شهرمشهد دست یافتند. مأموران باکنترل نامحسوس شب گذشته متهم رادر حال جابه‌جایی موادمخدر در محدوده بولوار شاهنامه، در یک اقدام ضربتی و غافل‌گیرانه به دام انداختند. مأموران در این عملیات ضمن دستگیری متهم در بازرسی از خودروی پراید، شانزده کیلوگرم موادمخدر از نوع تریاک کشف کردند. در ادامه خودروی پراید توقیف و متهم چهل‌ویک‌ساله پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

کلت قاچا، کلید اخاذی‌های ۲ مأمور جعلی



سهیل دبیا| لباس پلیس به تن داشتند. موتورسیکلتشان پلاک شخصی بود، اما وجود یک سلاح کلت همراه دو مرد یونیرم‌پوش این نقیصه‌را از چشم شهروندان مخفی می‌کرد. آن‌ها در آخرین مأموریت جعلی‌شان راهی بولوار سجاد شدند و با شناسایی دو جوان به اتهام‌های واهی جلوی آن‌ها را گرفتند. دو پسر جوان که مردان قانون را جلوی خود می‌دیدند، با اعتماد به نفس به پرسش‌های آن‌ها پاسخ دادند، اما ناگهان لحن مأموران تغییر کرد و یکی از آن‌ها شروع به اتهام‌زنی کرد و ظاهراً با تلفن درخواست اعزام خودرو برای انتقال دو متهم به کلانتری را داد. دو پسر جوان با شنیدن این موضوع دست‌وپای خود راگم کردند و حاضر شدند هر کاری بکنند، ولی به کلانتری نروند، این دقیقاً نقطه مدنظر دو مأمورنما بود و از اینجا نقش اخاذ دوم آغاز شد و در نهایت با دریافت مبلغی از این افراد دست از سر آن‌ها برداشتند. با رفتن مأموران، دو جوان تازه متوجه پلاک شخصی موتورسیکلت شدند و به ماجرا شک کردند و با گرفتن شماره پلیس ۱۱۰، موضوع را اعلام کردند. مأموران کلانتری سجاد با دریافت این گزارش بلافاصله به محل اعزام شدند. با حضور بموقع مأموران انتظامی و ثبت شکایت دو پسر جوان، گشت‌زنی در محدوده آغاز شد و دو متهم سوار بر موتورسیکلت شناسایی شدند. متهمان به محض مشاهده پلیس قصد فرار داشتند که با سرعت عمل مأموران دستگیر شدند و در بازرسی از آن‌ها یک قبضه کلت قاچایی کشف شد. متهمان به مراجع قضایی معرفی شدند.

سرقت از انبارهای طرحی، چراغچی و کشاورز

شهرا| متهمان اعتراف کردند که روزها در خیابان‌های طرحی و کشاورز می‌گشته‌اند و با شناسایی کارگاه‌هایی که از امنیت کمتری برخوردار بوده یا نگهدار نداشته‌اند، شبانه به سراغ آن‌ها می‌رفته واز آن‌ها سرقت می‌کرده‌اند. همین سرقت‌های گاه‌وبیگاه پلیس را سرخط کرد تا پرده از ازار این دزدی‌ها بردارد. مأموران کلانتری شهک سباد با گشت‌زنی‌های هدفمند در محدوده خیابان طرحی، دو مرد جوان را در حال پرسه‌زنی در یکی از خیابان‌های فرعی شنایی و متوقف کردند. در بازرسی از آن‌ها تعدادی ابزار آلات سرقتی کشف شد. متهمان با انتقال به کلانتری در بازجویی‌های علمی پلیس و مواجعه با داله و مستندات کشف‌شده به سیزده فقره سرقت شبانه از کارگاه‌ها و انبارهای محدوده خیابان طرحی، کشاورز و چراغچی اعتراف کردند. متهمان پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند.

دستگیری متهمان ضرب و جرح وحشیانه مرد جوانی که تا یک قدمی مرگ رفت و برگشت

پف اوباش اجاره‌ای خوابید!

سعید جلائیان

گزارش

آن قدر زخم بر تن داشت که وقتی به بیمارستان رسید، پزشکان با این احتمال که او جان می‌یازد، پیکر نیمه‌جانش را به اتاق عمل منتقل کردند. وقتی کادر درمان درباره علت زخم‌های مرد جوان پرسیدند، مشخص شد که چند نفر به او حمله کرده‌اند و او اوصدها متر زیر خودروی پراید روی زمین کشیده‌اند. مرد جوان هفته‌ها در بخش مراقبت‌های ویژه در کما بود. بیست روز بعد، خانواده‌اش که دیگر تحمل دیدن این شرایط را نداشتند، فرم اهدای اعضای پیکرش را امضا کردند؛ اما تیم درمان هنوز نسبت به مرگ مغزی شدن این بیمار شک داشتند و برای همین از تلاش شبانه‌روزی‌شان دست برنداشتند. تلاش‌هایی که بالاخره نتیجه داد و پس از ۲۶ روز، مرد جوان چشم باز کرد و از کما خارج شد. با هوشیاری مرد جوان که شبیه معجزه بود، پزشکان را بر آن داشت تا به آسیب‌های ریوی، دنده‌های شکسته، لگن و دست‌وپای اورسیدگی‌کنند؛ اما زمانی که این جوان در کما بود، با دستور سرهنگ بیگی، رئیس پلیس آگاهی مشهد، گروهی از کارآگاهان اداره مبارزه با جرائم خشن پلیس مسئول شناسایی و دستگیری ضاربان شدند. تحقیقات ادامه داشت که با برگشت مرد جوان به زندگی، او گرگ‌های کور پرونده را با اظهاراتش گشود و ضاربان را به پلیس معرفی کرد.

کارآگاهان پلیس آگاهی در پیگیری این پرونده که در بولوار گاز رخ داده بود، با انجام تحقیقات میدانی به تصاویر دوربین‌های مدار بسته‌ای دست یافتند که چگونگی آغاز درگیری را نشان می‌داد. این تصاویر همراه با شهادت کسبه و شهروندان، تا حدی روشنگر چگونگی حمله به مرد جوان بود. در همان مراحل اولیه تحقیقات، پلیس به شاگرد یکی از همسایه‌های مغازه تعمیرگاه خودروی شاکی مشکوک شد؛ جوانی نوزده‌ساله که پس از درگیری یک خودروی پراید به نامش سند خورده بود. با این مستندات، مرد جوان به اتهام مشارکت در نزاع دستگیر شد، اما او منکر هرگونه جرمی بود که پس از مواجهه با مستندات پلیس، ضمن اعتراف به جرمش، سه جوان دیگر را به عنوان همدست معرفی کرد. جوانانی که هیچ‌کدام ارتباطی با شاکی نداشتند.

● کشف مخفیگاه ضاربان در قرقی هم‌زمان، حلقه محاصره پلیس در اطراف سه ضارب فراری تنگ‌تر شد. متهمانی که کسی خبری از آن‌ها

نداشت. با این حال، تیم تحقیق با انجام یک سری کار اطلاعاتی موفق به ردزنی محل اختفای آن‌ها در گلپهار شد، اما این افراد پس از حدود بیست روز دوباره به مشهد برگشته بودند که مأموران این بار رد آن‌ها را در قرقی زدند. با توجه به اینکه متهمان پیش از این هم مخفیگاه خود را تغییر داده بودند، مأموران بدون فوت‌وقت، پس از هماهنگی قضایی در عملیاتی ضربتی آن‌ها را دستگیر کردند.

متهمان پس از دستگیری به ارتکاب جرم اعتراف کردند، اما مدعی بودند کسی پشت این نزاع نبوده و خودشان این کار را کرده‌اند؛ ادعایی که سرانجام در بازجویی فنی پایان یافت و آن‌ها با معرفی دو تبعه افغانستانی اعتراف کردند که این اتباع آن‌ها را اجیر کرده‌اند. با این اعتراف، بلافاصله هماهنگی قضایی انجام شد و دو تبعه افغانستانی در عملیاتی ضربتی، دستگیر و به مقر پلیس منتقل شدند.

● حمله ناگهانی به پهانه تعمیر گیربکس

دیروز در حاشیه جلسه بازجویی از متهمان در پلیس آگاهی مشهد، این افراد شرور با شاکی روبه‌رو شدند. شاکی پس از مواجهه با متهمان، درباره اتفاقی که برایش رخ داده بود، به خبرنگار ما گفت: روز حادثه ساعت ۹ صبح مغازه‌ام را در حاشیه بولوار گاز باز کردم. پانزده دقیقه بعد، در حالی‌که مشغول سروسامان دادن به کارهای مغازه بودم، فردی وارد شد و پرسید: «گیربکس پراید تعمیر می‌کنی؟»، جواب مثبت دادم که یک خودروی ۴۰۵ به من نشان داد و گفت گیربکس داخل صندوق عقب است. وقتی به خودرو رسیدیم، مشتری کمی در بازکردن صندوق تعلل کرد، اما پس از نگاهی به اطراف، در صندوق را باز کرد. داخل صندوق یک گیربکس بود که من داشتم بررسی‌اش می‌کردم که متوجه توقف یک پراید پشت سرم شدم. ناگهان چهار مرد جوان چوب به دست و با سروصورت پویشده، از آن خارج شدند و به من حمله کردند.

مرد جوان با اشاره به چهار متهم دستگیرشده ادامه داد: یکی از این‌ها من را از پشت گرفت و یکی که شاگرد همسایه‌ام بود، با دو نفر دیگر به قصد کشت من را زدند. ضاربانشان آن قدر شدید بود که من روی زمین افتادم. با وجود این، آن‌ها دست‌بردار نبودند تا اینکه شهروندان و کسبه برای متوقف‌کردن ضاربان تلاش کردند. من حتی صدای جیغ زنان را در ناوایی می‌شنیدم، اما همه می‌ترسیدند دخالت کنند. سرانجام آن‌ها از حضور مردم ترسیدند و من را رها کردند. هر چهار نفر با هم سوار خودرو شدند و این بار با پراید از روی من رد شدند که بدنم زیر خودرو گیر کرد و دیگر چیزی متوجه نشدم. اما بعدها فهمیدم

حدود چهارصد متر من را زیر خودرو کشیده‌اند. بعد از این حادثه نیز مهاجمان با کمک افرادی دیگر از محل فرار کردند.

● از متهم اصلی می‌ترسیدم!

در فیلم‌های به‌دست‌آمده از این حمله مردی لاغر اندام و بلندقد دیده می‌شد که پشت فرمان نشسته بود. او تنها کسی بود که شاکی را می‌شناخته است. با وجود این، او بیش از همه ضربه می‌زد و در ادامه با خودرو از روی این فرد می‌گذرد. با این متهم نوزده‌ساله که اولین فرد دستگیرشده در این پرونده است، به گفت‌وگو می‌نشینیم.

● چرا به این جوان حمله کردی؟

من از این مرد بدی ندیدم، اما اوستای من کینه او را به دل گرفته بود. او من و سه نفر دیگر را اجیر کرد و این کار را ر بکنیم. به ما گفت بروید بزنید، خرجتان و دیه او را می‌دهم.

● دلیل این کینه چه بود؟

چند سال است که برای دو تبعه افغانستانی کار می‌کنم. آن‌ها ثروتمند هستند، اما جزو شروران منطقه به حساب می‌آیند. بارها با کسبه دیگر درگیر شده‌اند و همه از آن‌ها می‌ترسند. در این شرایط بود که یک روز یک مشتری آمد و روبه‌روی مغازه ما توی خیابان ایستاد. او روی پل مغازه ما ایستاد، اما داخل نیامد و



عکس: «نصرت‌الله شهنشاه شورا»

برای تعمیر خودرویش به مغازه این بنده خدا رفت. دو برادر که این را دیدند، شمشیر برداشتند و شیشه خودروی مشتری را شکستند. خودش را هم زدند. مدتی بعد اما چند نفر به مغازه ما آمدند و بودند و یکی از این دو برادر را زدند. آن‌ها فکر می‌کردند تقصیر جوان همسایه است. ابتدا برادرش را زدند، بعد هم توبت به برادر دیگر رسید که ما را جلو انداختند.

● این نقشه را چه کسی طراحی کرد؟

روز قبل آن‌ها به من گفتند بروم به خانه‌شان تا کیوت‌هایشان را بگیرم. من رفتم و شب دیدم بچه‌های دیگر هم آمدند. آن شب برای ما غذای خوبی گرفتند و بعد به همه مشروبات الکلی دادند. حین خوردن غذا و مشروب ماجرا تعریف کردند. همان شب می‌خواستم برویم، اما در رودریاییستی ماندیم. هشت صبح فردا یکی از اوستاهای من به نام امیر با یک پراید آمد. او به ما گفت که با این خودرو برویم و خودش وسایل دعوا را تهیه کرده بود.

● در ازای این کار چه به‌تورسید؟

همان روز خودرو به نام من زدند. من نمی‌توانستم قبول نکنم، از آن‌ها می‌ترسیدم.

● چرا بعد از زدن با خودرو روی او رد شدی؟

ترسیده بودم. می‌خواستم از آنجا سریع‌تر بروم. هل شده بودم.

سهیل دبیا| برخی دردهای جامعه چنان

بی‌صدا هستند که تا فرد دچارش نشود، متوجه عمق آن نمی‌شود. یکی از آن‌ها دردهایی است که بیماران نیازمند به عضو تحمل می‌کنند؛ بیمارانی که ماه‌ها و گاهی سال‌ها باید در لیست انتظار بمانند و برخی از آن‌ها هیچ‌گاه طعم سلامت را نمی‌چشند و با همان دردهای مزمن، راهی دیار باقی می‌شوند. با نگاهی به فهرست بلندبالای

خبر روز

عزم جزم یک بیمار برای بخشیدن زندگی به دیگری

۱۱ کشته در حادثه سقوط خودرو به کانال آب

مهر| پلیس محلی هند تأیید کرد که یازده نفر بر اثر سقوط خودروی شخصی حامل آن‌ها به داخل کانالی در ایالت شمالی اوتار پرادش هند جان باختند و چهار نفر دیگر زخمی شدند. این حادثه در منطقه گوندای این ایالت رخ داد. قربانیان پس از عبادت در معبدی در همان نزدیکی در حال بازگشت بودند که این حادثه رخ داد. در مجموع یازده نفر از جمله چند زن، در داخل خودرو بودند. مجروحان در بیمارستان محلی بستری شدند.

۷ کشته در شورش یک زندان

ایسنا| ویدئوهای منتشرشده از زندان توکسپان در ایالت «وراکوز» مکزیک حکایت از وقوع حادثه‌ای در زندان داشت. رسانه‌های این کشور اعلام کردند که دربی درگیری و شورش، بخش‌هایی از این زندان به آتش کشیده شده و در پی آن هفت نفر کشته و یازده نفر زخمی شده‌اند. زندانیان مدعی شده‌اند شورش زمانی آغاز شده که گروهی از زندانیان علیه یک سازمان تبهکاری به نام «گروپو سومبرا» که از زندانیان و خانواده‌هایشان اخاذی می‌کرد، دست به شورش زدند.

۱۰۰۰ کشته و زخمی در سیل‌های پاکستان

مشرق| مسئولان پاکستانی از کشته و زخمی شدن بیش از هزار تن از شهروندان این کشور در جریان سیل‌های مرگ بار اخیر خبر دادند. در این حوادث که از اواخر ژوئن گذشته آغاز شده است، ۲۹۹ نفر جان خود را از دست داده‌اند. ۱۴۰ نفر از قربانیان این حوادث کودکان بوده‌اند. تلویزیون پاکستان اعلام کرد که ۷۱۵ نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند. در این بین ۱۶۷۶ خانه آسیب دیده‌اند. همچنین ۲ هزار و ۸۸۹ نفر از مناطق سیل زده تخلیه شده‌اند.

جدول ۴۳۴۳												
شهر خراسان جنوبی	ضروری نوشته‌ها	طاغوت هم‌عصر ابراهیم(ع)	کش غلام	شایسته سلف	اس	نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.			م د ف	این سینا	حکم حکومتی دینداری	سگ توغی پیوند انگلیسی
پدر مرده پرتوها			ل ر ج ا	شایسته سلف	اس	تلفن پیامک			م د ف	هافبک فجر سیاسی روشنائی		
از مصالح ساختمانی آنها	بخشی از اوستا		م ز د و ر	شایسته سلف	اس	تلفن پیامک			م د ف	موتورسیکلت پهلوان ژاپنی	مدیرعامل پرسپولیس	
طباب لاستیک مرتجع	دوستی سنا		م ز د و ر	شایسته سلف	اس	تلفن پیامک			م د ف	قطار آش ساده	حرف بیروزی موهوم	
پیشمانی نان سنتی		خنه	م ز د و ر	شایسته سلف	اس	تلفن پیامک			م د ف	تین پرور جدید سالک	سخت پدر لنت	
گله‌مندی بالایمان پناهگاه		بقه قلمه گیاه	م ز د و ر	شایسته سلف	اس	تلفن پیامک			م د ف	کشور دانوب شغل	زائو ترسان خیالی	مادر بزرگ
کشتی گیر سرشناس آمریکایی		معلی	م ز د و ر	شایسته سلف	اس	تلفن پیامک			م د ف			